

## سورة فاتحه

### مکی ۷ آیه

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی (۱)

همه ستایش ها ویژه خدا، پروردگار جهانیان است (۲) رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی (۳)  
تنها او فرمانروای روز پاداش و کیفر است (۴) [پروردگارا!!] فقط تو را می پرستیم، و تنها از تو یاری  
می خواهیم (۵) ما را به راه راست راهنمایی کن (۶) راه کسانی که به آنان نعمت ها [ی مادی و معنوی] عطا  
کردی، که نه مورد خشم قرار گرفته اند و نه گمراهند. (۷)

## سورة بقره

### مدنی ۲۸۶ آیه

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الف، لام، میم (۱) در [وحی بودن] این کتاب [باعظمت] هیچ تردیدی نیست، راهنمای پرهیزکاران [به سوی سعادت دنیا و آخرت] است (۲) آنان که غیب را باور دارند، و همواره نماز را [با شرایط ویژه اش] برپا می دارند، و از هر نعمت [مادی و معنوی] که روزی آنان کرده ایم [در راه خدا] هزینہ می کنند (۳) و به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شده مؤمن هستند، و به آخرت یقین دارند. (۴) آنانند که از سوی پروردگارشان بر [بلندای] هدایتند، و فقط اینان که سعادت منداند. (۵)

مسئلاً برای منکران حقایق [که بر انکارشان پافشاری می کنند،] مساوی است که [از عذاب دوزخ] هشارشان دهی یا ندهی؛ قطعاً ایمان نمی آورند (۶) خداوند [به کیفر انکارشان] بر دلها و گوششان مهر [عدم فهم حقایق] زده، و بر چشمها [ی قلبشان] پرده ضخیمی است [که مشعل هدایت را نمی بینند]، و برای آنان عذاب بزرگی است (۷) برخی از مردم [که منافقند] می گویند: ما به خدا و روز قیامت ایمان آوردیم، درحالی که مؤمن نیستند (۸) [به گمان باطلشان] خداوند و مؤمنان را مورد نیرنگ قرار می دهند درحالی که جز به خودشان نیرنگ نمی زنند، و [زیان این نیرنگ را] درک نمی کنند (۹) در دل هایشان بیماری [سختی از نفاق است]، پس خدا [به کیفر انحرافشان] بر بیماری دل هایشان افزود، و برای آنان به سبب آن که همواره دروغ می گفتند عذاب دردناکی است (۱۰) چون به آنان گویند: در زمین تبهکاری و فتنه انگیزی نکنید، می گویند: فقط ما اصلاح گریم (۱۱) آگاه باشید! خود اینان اهل تبهکاری و فتنه انگیزی اند؛ ولی این مسئله را نمی فهمند (۱۲) چون به آنان گویند: شما هم آن گونه که دیگر مردم ایمان آوردند ایمان آورید، می گویند: آیا ما نیز مانند ابلهان ایمان آوریم؟ آگاه باشید! یقیناً خود اینان ابلهند؛ ولی [به سبب کوردلی به ابلهی خود] آگاه نیستند (۱۳) هنگامی که با مؤمنان دیدار کنند می گویند: ما [به خدا و پیامبر] مؤمن شدیم. و زمانی که با شیطان هایشان [که سران شرک و کفرند] خلوت می کنند می گویند: به یقین ما با شما مییم، جز این نیست که ما [با تظاهر به ایمان،] آنان را مورد ریشخند قرار می دهیم (۱۴) خداوند آنان را [به کیفر این عمل منافقانه] دچار عذاب [دنیا و آخرت] می کند، و در تجاوز کردنشان مهلت می دهد تا [همواره در وادی نفاقشان] سرگردان بمانند (۱۵) آنان کسانی هستند که گمراهی را به جای هدایت به دست آوردند، [در نهایت] تجارتشان هیچ سودی نکرد، و از راه یافتگان [به سوی سعادت] نبودند (۱۶)

سرگذشتشان چون سرگذشت کسانی است که [در شبی تاریک،] آتشی افروختند [تا در پرتو آن راه یابند]، چون آتش، پیرامونشان را روشن ساخت، خداوند [با توفانی سهمگین،] نورشان را نابود کرد، و آنان را در تاریکی‌هایی که جایی را نمی‌دیدند [حیران و سرگردان] رها ساخت (۱۷) آنان [از شنیدن حقایق] کر، و [از گفتن و پرسش از واقعیت‌ها] لال، و [از دیدن نشانه‌های وجود خداوند] کورند؛ به این سبب [از مسیر شیطان به راه مستقیم] باز نمی‌گردند (۱۸) یا [سرگذشت آنان] مانند [دچارشدگان به] رگباری از آسمان است که در آن رگبار، تاریکی‌های متراکم و رعد و برق [خطرناک] است، انگشتانشان را از [صدای هولناک] صاعقه‌ها به علت بیم از مرگ در گوش‌هایشان می‌گذارند [درحالی‌که راه‌گریزی از مرگ برای آنان نیست]، و خداوند به منکران [حقایق] احاطه [کامل] دارد (۱۹) نزدیک است که آن برق [درخشان، روشنی] چشم‌هایشان را برباید، هنگامی که بر آنان بتابد در پرتو آن راه می‌روند، و چون فضا را بر آنان تاریک کند می‌ایستند، و اگر خدا می‌خواست [شجویی] گوش و [بینایی] چشم آنان را به کلی نابود می‌کرد [تا برای همیشه از شنیدن حقایق هدایتگر و دیدن آثار الهی محروم گردند؛ زیرا] خداوند بر هرکاری تواناست (۲۰) ای مردم! پروردگارتان را که شما و پیشینیانتان را آفریده بندگی کنید تا به [روحیه] خودنگهداری از محرمات آراسته شوید (۲۱) پروردگاری که زمین را به سود شما بستری گسترده، و آسمان را سقفی برافراشته قرار داد، و از آسمان آبی [سودمند] فرستاد و به وسیله آن از میوه‌ها [ی فراوان]، روزی [ثمربخشی] برای شما پدید آورد، پس برای خدا همتیانی قرار ندهید درحالی‌که می‌دانید [خداوند یقیناً بی‌همتا است] (۲۲) اگر در [وحی بودن] قرآنی که ما بر بنده خود [محمد صلی الله علیه و آله] نازل کردیم شک دارید پس سوره‌ای مانند آن بیاورید، و [برای این کار] یاران همفکران [از متخصصان بزرگ زبان و ادبیات عرب] را در برابر خداوند دعوت کنید چنانچه در ادعای خویش راستگویید (۲۳) و اگر یک سوره مانند قرآن را نیاوردید، که هرگز موفق به آوردن آن نخواهید شد، نهایتاً [با ایمان به وحی بودن قرآن،] خود را از [دچارشدن به] آتشی که هیزمش انسان‌ها و سنگ‌ها باند حفظ کنید؛ [آتشی] که برای منکران وحی آماده شده است (۲۴)

و به آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته [چون عبادت و خدمت به خلق] انجام داده‌اند نوید ده؛ مسلماً بهشت‌هایی ویژه آنان است که از زیر درختانش نهرها جاری است، هر زمان که از آن بهشت‌ها میوه آماده‌ای به آنان داده شود، خواهند گفت: این همان است که پیش از این روزی ما کردند. و از میوه‌های گوناگون که [در طعم و گوارایی و زیبایی] شبیه یکدیگر است نزد آنان آورده شود. و در آن جا همسرانی که [از هر آلودگی] پاکیزه‌اند در اختیار ایشان است، و در آن [بهشت‌ها] جاودانه‌اند (۲۵) بی‌تردید خداوند [برای تفهیم مطلبی به مردم] از این که به پشه و فراتر از آن [در کوچکی] مثل بزند پروا ندارد، اما مؤمنان می‌دانند که آن مثل از سوی پروردگارشان حق است، و اما کافران با حالتی تمسخرآمیز می‌گویند: خداوند از این مثل چه اراده‌ای کرده است؟ خداوند بسیاری را با آن مثل [به کیفر مسخره کردن حق] به بیراهه می‌اندازد، و بسیاری را با آن مثل [به پاداش پذیرفتن حق] هدایت می‌کند، و جز گنهکارانِ نافرمان را با آن مثل به بیراهه نمی‌اندازد (۲۶) آنان مردمی هستند که پیمان خدا را [که توحید و نبوت و تکالیف است] پس از استواری‌اش [با دلایل عقلی و علمی] می‌شکنند، و آنچه را خداوند به پیوند آن فرمان داده است [چون پیوند با پیامبران، قرآن، اهل بیت علیهم‌السلام و خویشان] قطع می‌کنند، و در زمین به تبهکاری و فتنه‌انگیزی مشغول‌اند؛ آنان تباه‌کنندگان [همه سرمایه وجودی خویش] اند (۲۷) چگونه به خداوند [ی که ذاتش جامع همه کمالات است] کفر می‌ورزید؟ درحالی که [پیش از دمیده شدن روح به کالبدتان، ترکیبی از عناصر] مرده بودید، پس خداوند به شما حیات بخشید، سپس شما را به کام مرگ می‌اندازد، آن‌گاه پس از مرگ بر شما لباس حیات می‌پوشاند، و پس از آن همه شما را به سوی او باز می‌گردانند (۲۸) آن خداوندی که همه آنچه را در زمین است به سود شما آفرید، آن‌گاه آفریدن آسمان را اراده کرد، و آن را به صورت هفت آسمان [استوار، و منظم و هماهنگ] قرار داد، و او به [قوانین و محاسبات] همه چیز داناست (۲۹)

و [به یاد آر] زمانی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من قراردهنده جانشینی [با استعدادهای ویژه] در زمین هستم، گفتند: آیا موجودی را در زمین قرار می‌دهی که در آن به تبهکاری و فتنه‌انگیزی برخیزد، و دست به خون‌ریزی زند؟! درحالی که تو را پیوسته همراه با سپاست به پاک‌بودن از هر عیب و نقصی می‌ستاییم و تقدیس می‌کنیم. خداوند فرمود: من [از وجود این جانشین و مایه‌های کرامتش] اَسْراری می‌دانم که شما نمی‌دانید (۳۰) خداوند اسامی همه حقایق را به آدم آموخت، آن‌گاه هَوَیْت حقایق را به فرشتگان ارائه کرد و فرمود: مرا از اسامی اینان خبر دهید اگر [در ادعای خود نسبت به پُرکردن خَلَا جانشین با حمد و تسبیح و تقدیس] راستگوئید (۳۱) فرشتگان گفتند: تو از هر عیب و نقصی پاک و منزّه‌ای، ما را دانشی جز آنچه خود به ما آموخته‌ای نیست، مسلماً تو دانا و حکیمی (۳۲) خداوند گفت: ای آدم! فرشتگان را از اسامی حقایق خبر ده! چون اسامی آن‌ها را به فرشتگان خبر داد، خدا فرمود: آیا به شما نگفتم که من قطعاً غیب آسمان‌ها و زمین را می‌دانم، و به آنچه شما آشکارا انجام می‌دهید و آنچه همواره پنهان می‌داشتید دانایم؟ (۳۳) و [به یاد آر] زمانی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، همه فرشتگان سجده کردند مگر ابلیس که [از فرمان حق] سرپیچی کرد، و تکبر ورزید، و نهایتاً از کافران شد (۳۴) و گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در این بهشتِ معین [که باغی از باغ‌های پُر نعمت دنیا بود] سکونت گیرید، و از هر جای آن که خواستید بی‌دغدغه و با آسایش بخورید، و به این درخت نزدیک نشوید؛ که اگر نزدیک شوید از ستمکاران [بر خود] خواهید شد (۳۵) پس شیطان هر دو را [از طریق حرص زدن بر خوردن میوه آن درخت] از بهشت دور ساخت، و آنان را از آنچه در آن بودند [چه آن باغ پُر نعمت و چه مرتبه معنوی] بیرون کرد، گفتیم: ای آدم و حوا و ابلیس! درحالی که دشمن یکدیگرید [از این جایگاه] فرود آید که برای شما در زمین قرارگاهی [جهت زندگی]، و تا مدتی معین مایه بهره‌وری اندکی خواهد بود (۳۶) پس آدم [بعد از بیرون‌شدن از بهشت]، کلماتی را [که راهی به سوی توبه بود] از پروردگارش دریافت کرد، نهایتاً پروردگار توبه‌اش را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است (۳۷)

گفتیم: همه از آن مقام فرود آید! چون از سوی من هدایتی کامل برای شما آمد [بدانید] آنان که از هدایتیم پیروی کنند نه بی‌می بر آنان است، و نه اندوهگین شوند (۳۸) [اما] آنان که منکر حقایق شدند و آیات ما را تکذیب کردند اهل آتش، و در آن جاودانه‌اند (۳۹) ای بنی اسرائیل! نعمت‌هایم را که به شما عطا کردم به خاطر آورده، [قلباً مورد توجه قرار دهید]، و به پیمانم [که سفارش به بندگی و ایمان به همه پیامبران است] وفا کنید تا من هم به پیمان شما [که عمل به تورات و امید به پاداش است] وفا کنم، و فقط از من بترسید (۴۰) و به آنچه [بر پیامبر اسلام] نازل کرده‌ام که گواهی‌دهنده [حقانیت توراتی] است که با شماست ایمان واقعی آورید، و نخستین کافر به آن نباشید [که نسل‌های پس از شما به پیروی از شما به آن کافر شوند]، و آیاتم را در تورات [که در برخی از آن‌ها اوصاف محمد صلی الله علیه و آله و قرآن است با تغییر دادنشان] در برابر بهایی اندک نفروشید، و تنها از من پروا کنید (۴۱) و حق را با باطل [به وسیله زبان‌بازی و حيله‌گری] مخلوط و مبهم نسازید [تا تشخیص آن بر جویندگان حق دشوار گردد]، و حق را [که قرآن و پیامبر] است از مردم پنهان نکنید در حالی که به آن دانا هستید (۴۲) و نماز را [با شرایط ویژه‌اش] برپا دارید، و زکات بپردازید، و همراه رکوع‌کنندگان رکوع کنید؛ [که نماز به جماعت دارای ارزش بیشتری است] (۴۳) آیا مردم را به نیکی کردن فرمان می‌دهید و [وظیفه] خود را [در این زمینه] به فراموشی می‌سپارید؟ در حالی که تورات را [که به نیکی کردن دعوتتان کرده] قرائت می‌کنید، آیا [به سرانجام خسارت‌بار خود] اندیشه نمی‌کنید؟ (۴۴) از روحیه شکیبایی [در برابر حوادث]، و از نماز [برای حل مشکلات و پاک‌شدن از آلودگی‌ها] یاری نخواهید، انجام این کار جز بر کسانی که [در برابر حضرت حق] دلی فروتن دارند آسان نیست (۴۵) [آنان] کسانی هستند که یقین دارند ملاقات‌کننده پروردگارشان خواهند بود، و مسلماً به سوی او باز می‌گردند (۴۶) ای بنی اسرائیل! نعمت‌هایم را که به شما عطا کردم به خاطر آورده، [قلباً مورد توجه قرار دهید]، و اینکه شما را بر جهانیان [زمان خودتان به سبب معجزات موسی و نزول تورات] برتری دادم [به یاد آرید] (۴۷) و خود را از [خطرها و خسارت‌های] روزی حفظ کنید که نه کسی از کسی عذابی را برطرف می‌کند، و نه از کسی در مورد گنه‌پیشگان شفاعتی می‌پذیرند، و نه از کسی برای بخشیده‌شدن گناهانش غرامت و تاوان می‌گیرند، و نه [برای نجات از عذاب دوزخ] حمایتشان می‌کنند (۴۸)

و [ای بنی اسرائیل! به یاد آرید] زمانی که شما را از حکومت ظالمانهٔ فرعونیان نجات دادیم؛ آنان که همواره شما را به شدیدترین وضع شکنجه می‌کردند، پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را [برای بیگاری و خدمت‌کاری] زنده می‌گذاشتند، برای شما در آن بلاها، آزمایشی بزرگ از سوی پروردگارتان بود (۴۹) و [به یاد آرید] هنگامی که [به قدرت خود] دریا را برای شما شکافتیم، و شما را نجات داد، [به خشکی رساندیم]، و فرعونیان را درحالی که تماشا می‌کردید غرق کردیم (۵۰) و [به یاد آرید] زمانی که با موسی [برای نزول تورات]، چهل شب وعده گذاشتیم، سپس شما بعد از رفتنش [به طور]، گوساله را معبود خود قرار دادید درحالی که [با این عمل]، ستمکار بودید (۵۱) آن‌گاه پس از آن [عمل ستمکارانه] از شما درگذشتیم برای آن که [نعمت قبول توبه و بازگشت به توحید را] سپاس‌گزاری کنید (۵۲) و [به یاد آرید] هنگامی که به موسی کتاب و میزان [جداکننده حق از باطل] عطا کردیم تا هدایت یابید [و به سعادت ابدی برسید] (۵۳) و [به یاد آرید] زمانی که موسی به قومش گفت: ای قوم من! بی‌تردید شما با معبود قراردادن گوساله، به خود ستم کردید، پس به‌سوی آفرینندهٔ خود بازگردید، و [افرادی از] خودتان را [که به پرستش گوساله پرداختند] بکشید که این [کار] برای شما در پیشگاه آفریدگارتان بهتر است. خداوند [پس از آن] توبهٔ شما را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است (۵۴) و [به یاد آرید] زمانی که به موسی گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر این که خدا را با چشم خود به‌صورتی آشکار ببینیم. پس [به سبب این درخواست بیجا] درحالی که نظاره می‌کردید صاعقهٔ مرگبار شما را گرفت (۵۵) آن‌گاه شما را بعد از مردنتان برانگیختیم تا سپاس‌گزاری کنید (۵۶) و [در صحرای سوزان سینا] ابر را بر بالای سرتان سایبان قرار دادیم، و برای شما انگبین و پرنده سلوی فرستادیم [و گفتیم]: از خوراکی‌های دلپذیر که روزی شما کردیم بخورید. آنان [با طغیان و ناسپاسی خود] بر ما ستم نکردند؛ بلکه همواره بر خود ستم می‌ورزیدند (۵۷)



و [به یاد آرید] هنگامی که به شما گفتیم: به این شهر [بیت المقدس] وارد شوید و [از نعمت هایش] از هر جای آن که خواستید بی دغدغه و با آسایش بخورید، و فروتنانه از دروازه شهر درآیید و بگویید: [پروردگارا! خواسته ما] آمرزش همه گناهان و خلاف کاری های ما [است] تا گناهانتان را ببامرزیم، و ما قطعاً بر پاداش نیکوکاران می افزاییم (۵۸) ولی ستمکاران سخنی را که باید به فرمان ما می گفتند [پس از ورود به شهر] به سخنی دیگر [که درخواست امور مادی و مسائل پست بود] تغییر دادند، ما هم بر ستمکاران به سبب آن که همواره نافرمانی می کردند عذابی از آسمان فرود آوردیم (۵۹) و [به یاد آرید] آن گاه که موسی برای قومش درخواست آب کرد، گفتیم: عصایت را بر این سنگ بزن! در نتیجه دوازده چشمه از آن جاری شد که هر تیره ای [از دوازده تیره بنی اسرائیل] چشمه مربوط به خود را شناخت، [گفتیم:] از روزی ویژه خداوند بخورید و بیاشامید و در زمین فتنه نکنید و به فساد ادامه ندهید [که کاری بسیار زشت است] (۶۰) و [به یاد آرید] زمانی که گفتید: ای موسی! ما هرگز بر یک نوع غذا [که سالهاست خدا در بیابان برای ما می فرستد] شکیبایی نمی کنیم، از پروردگارت درخواست کن تا از آنچه زمین می رویاند از سبزی، خیار، سیر، عدس و پیازش را برای ما آماده کند؟! موسی گفت: آیا شما می خواهید غذای بهتر را به غذای پست تر تغییر دهید؟ [با این خواسته بیجا] به شهری درآیید که در آن آنچه را خواستید برای شما آماده است. نهایتاً خواری و مسکنت فراگیری بر آنان مقرر شد، و به خشم خداوند [که مستحق آن بودند] دچار شدند، این [سه کیفر] برای این بود که آنان همواره منکر آیات خدا می شدند، و ستمکارانه پیامبران را می کشتند، سبب [این همه جنایاتشان] این بود که [از فرمان های من] سرپیچی داشتند، و پیوسته [از حدود حق] تجاوز می کردند (۶۱)

مسئلاً کسانی که [به ظاهر] ایمان آوردند، و نیز یهودی‌ها و نصرانی‌ها و صابئی‌ها، هرکدامشان که [قلباً] به خدا و روز قیامت مؤمن شوند و کار شایسته انجام دهند برای آنان نزد پروردگارش پاداشی شایسته است، نه بیمی بر ایشان است، و نه اندوهگین شوند (۶۲) و [ای بنی اسرائیل! به یاد آرید] هنگامی که از شما [بر پیروی حق] پیمان گرفتیم، و کوه طور را بالای سرتان برافراشتیم، [و گفتیم: آنچه را [برای هدایتان چون تورات] به شما داده‌ایم با قوت فراگیرید [و با قدرت عمل کنید،] و آیاتی که در آن است [برای به کار بستن، قلباً] مورد توجه قرار دهید تا به روحیه خودنگهداری از محرمات آراسته شوید (۶۳) آن‌گاه بعد از پیمان‌گرفتن، از وفای به آن سرپیچی کردید، و اگر احسان و رحمت خدا بر شما نبود قطعاً از تباہ‌کنندگان [همه سرمایه وجودی خود] بودید (۶۴) بی‌تردید شما به سرگذشت گروهی از هم‌مسلمانان خود که در روز شنبه [از فرمان خدا در مورد حرمت صید ماهی] سرپیچی کردند آگاه بودید، که ما [به کیفر سرپیچی‌کردنشان] به آنان نهیب زدیم که؛ به‌صورت بوزینگانی پست و رانده‌شده درآید! (۶۵) در نهایت، آن کیفر را درس عبرتی برای آنان که شاهد حادثه بودند و کسانی که پس از آنان می‌آیند، و پندی برای خودنگهداران از محرمات قرار دادیم (۶۶) و [به یاد آرید] هنگامی که موسی به قومش گفت: خداوند به شما فرمان می‌دهد گاو را ذبح کنید، گفتند: آیا ما را به ریشخند گرفته‌ای؟! گفت: به خداوند پناه می‌برم از این‌که از بی‌خبران [از حدود ادب] باشم (۶۷) گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما توضیح دهد که آن، چه گاو باشد؟ موسی گفت: خداوند می‌فرماید: آن گاو است نه پیر از کار مانده، و نه تازه‌جوان، بلکه گاو است میان این دو نوع، پس آنچه را به شما فرمان داده‌اند انجام دهید (۶۸) گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما توضیح دهد رنگش چه باشد؟ موسی گفت: خداوند می‌فرماید: گاو است به رنگ زرد روشن که رنگش بینندگان را شاد می‌کند (۶۹)

گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما توضیح دهد نهایتاً آن چگونه گاوی است؟ زیرا [ویژگی‌های] آن گاو بر ما مشتبه و مبهم شده، و اگر خدا بخواهد به [شناخت] آن هدایت خواهیم شد (۷۰) موسی گفت: خداوند می‌فرماید: گاوی است که نه رام است تا زمین را شیار کند، و نه آبیاری زراعت بر عهده‌اش باشد، گاوی است سالم، رنگش [زرد روشن] یکدست. [بنی اسرائیل] گفتند: اکنون حق را برای ما آشکار ساختی. در نتیجه [به جست‌وجوی گاو برخاسته،] آن را [یافته و] ذبح کردند درحالی‌که نزدیک بود [بر اثر لجاجتِ شدید و خرده‌گیری فراوان] فرمان خدا را به کار نیندند (۷۱) و [به یاد آرید] هنگامی که شخصی را کشتید و درباره [قاتل] او به اختلاف و نزاع دچار شدید، و خداوند آشکارکننده واقعه‌ی بود که [در این حادثه] پنهان می‌کردید (۷۲) پس گفتیم: پاره‌ای از آن [گاو ذبح‌شده] را به مقتول بزنید [تا زنده شود و قاتلش را معرفی کند،] خداوند این‌گونه، مردگان را زنده می‌کند، و دلایل [قدرت و ربوبیت] خود را به شما نشان می‌دهد تا [برای درک حقایق] بیندیشید (۷۳) سپس دل‌های شما بعد از آن [همه معجزه شگفت‌انگیز] چون سنگ یا سخت‌تر از سنگ دچار قساوت شد، [آری سخت‌تر از سنگ؛] زیرا از برخی سنگ‌ها نهرها جاری می‌شود، و بعضی از آن‌ها می‌شکافد و از آن آب بیرون می‌آید، و پاره‌ای از آن‌ها از ترس خدا از بلندی سقوط می‌کند، [اما دل‌های شما از هیچ معجزه و موعظه‌ای اثر نمی‌گیرد، ولی بدانید که] خداوند از آنچه انجام می‌دهید بی‌خبر نیست (۷۴) آیا [شما مردم مؤمن] امید دارید که [یهودیان سخت‌دل روزگارتان] به [اسلام] شما ایمان بیاورند؟ درحالی‌که گروهی از آنان کلام خدا را همواره می‌شنیدند، سپس بعد از آن‌که مفهومش را درک می‌کردند [به خاطر هواپرستی به دلخواه خود] تغییرش می‌دادند، در صورتی‌که می‌دانستند [به کلام خدا و مردم جویای حق خیانت می‌کنند] (۷۵) هنگامی که [این سخت‌دلان] با اهل ایمان دیدار کنند می‌گویند: ما ایمان آوردیم. و چون با هم خلوت می‌کنند [از روی اعتراض به یکدیگر] می‌گویند: آیا حقایقی که خداوند [در تورات درباره] <sup>محمد صلی الله علیه وآله</sup> [برای شما توضیح داده به اهل ایمان خبر می‌دهید تا [روز قیامت] در پیشگاه پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند؟ آیا نمی‌اندیشید [که نباید راه استدلال بر ضد خود را در اختیار مؤمنان گذارید]؟! (۷۶)

آیا [این سخت‌دلان] نمی‌دانند که خداوند آنچه را که [از حقایق] پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند می‌داند؟ (۷۷) گروهی از یهود، اشخاص بی‌سواد هستند که [به سبب بی‌سوادی،] تحریف‌ها و دروغ‌های وارد شده در تورات را [به وسیله عالمان دنیاپرستان] به عنوان کتاب آسمانی می‌شناسند، و اینان جز خیال‌پردازانی [سبک‌سر] نیستند (۷۸) پس وای بر کسانی که نوشته‌ای را از نزد خود [به عنوان آیات تورات] می‌نویسند، سپس می‌گویند: این آیات از سوی خداست، تا با این [کار زشت] خائنانه [بهایی اندک] به دست آورند! پس عذاب شدید بر آنان از آنچه دست‌هایشان [با تکیه بر هوای نفسشان] نوشت! و حسرت هلاکت بر آنان از آنچه [از رشوه و مال حرام] به دست می‌آورند! (۷۹) و [یهودیان] گفتند: آتش دوزخ جز چند روزی به ما نمی‌رسد. بگو: آیا [بر این عقیده خود] از نزد خدا پیمانی تخلف‌ناپذیر گرفته‌اید؟ یا از روی نادانی چیزی را به خداوند نسبت می‌دهید؟ (۸۰) [چنین نیست که می‌گویید،] بلکه آنان که مرتکب گناه شدند و گناه سراسر وجودشان را فرا گرفت اهل آتشند، و در آن جاودانه‌اند (۸۱) و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند اهل بهشتند، و در آن همیشگی‌اند (۸۲) و [به یاد آرید] زمانی که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و از کار افتادگان نیکی کنید، و با مردم با خوش‌زبانی سخن گویند، و نماز را [با شرایط ویژه‌اش] برپا دارید، و زکات بپردازید. سپس همه شما جز اندکی، [از پیمان خدا] رویگردان شدید، و شما [عادتمآ] رویگردان هستید (۸۳)

و [به یاد آرید] زمانی که از شما پیمان استوار گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید، و همدیگر را از خانه‌های خود آواره نکنید. آن‌گاه [به پیمانتان] اقرار کردید، و خود بر آن گواهی می‌دهید (۸۴) سپس این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خودتان را از خانه‌هایشان آواره می‌کنید، درحالی‌که به سبب گناه و تجاوز، یکدیگر را بر ضد آوارگان باری می‌دهید، و اگر آنان در حال اسارت نزد شما آیند با پرداختِ غرامت و تاوان، آزادشان می‌کنید در صورتی‌که آواره‌کردنشان بر شما حرام بود. آیا به بخشی از [آیات و احکام] تورات مؤمن هستید و منکر بخشی دیگر می‌باشید؟ [به طوری که حرام بودن جنگ با یکدیگر و آواره‌نمودن مردم را که قانون خداست مردود دانسته، و وجوب آزادکردن اسیران را قبول دارید!] پس کیفر کسانی از شما که تبعیض در آیات خدا را رومی‌دارند جز خواری در زندگی دنیا نیست، و روز قیامت به سوی سخت‌ترین عذاب بازشان می‌گردانند، و خداوند از آنچه انجام می‌دهید بی‌خبر نیست (۸۵) اینان کسانی هستند که زندگی [زودگذر] دنیا را به [بهای ازدست‌دادن] آخرت [ابدی] خریدند، از این جهت نه عذابشان سبک می‌گردد، و نه برای نجات از عذاب حمایتشان می‌کنند (۸۶) به یقین ما به موسی کتاب دادیم، و پس از او پیامبرانی به دنبال هم فرستادیم، و به عیسی بن مریم دلایل آشکار عطا کردیم، و او را به وسیله روح القدس توانایی بخشیدیم، پس چرا هرگاه پیامبری آیین خدا را که دلخواه و هماهنگ با خواسته‌های نامعقولتان نبود برای شما آورد سرکشی کردید؟ و نهایتاً [نبوت] گروهی را منکر شدید، و گروهی را کشتید؟! (۸۷) و [یهودیان به پیامبر] گفتند: دل‌های ما در پوششی سخت است [به این سبب قرآن و کلام تورا درک نمی‌کنیم. ولی چنین نیست]، بلکه خداوند به سبب کفرشان آنان را از عرصه توفیق و رحمتش رانده، [در نتیجه از پذیرفتن اسلام سرپیچی می‌کنند]، پس اندکی از شما ایمان می‌آورند (۸۸)

چون برای آنان از سوی خداوند کتابی [هدایتگر که] تصدیق‌کننده [حقانیت] تورات همراهشان است آمد، و همواره پیش از نزولش به خودشان [در سایه ایمان به آن] مژده پیروزی بر کافران می‌دادند، [اما] چون قرآن که [قبل از نزولش] آن را [با پیش‌گویی تورات] می‌شناختند به‌سویشان آمد آن را انکار کردند، پس لعنت خدا بر منکران باد! (۸۹) بد چیزی است آنچه خود را به آن فروختند! و آن کفرورزی از روی حسادت به کتابی است که خدا [بر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله] نازل کرده، [معترضانه می‌گویند: چرا] خداوند از باب احسانش به هرکه از بندگانش بخواهد کتاب آسمانی نازل می‌کند؟! پس آنان به خشم پی‌درپی خداوند که مستحق آن بودند دچار شدند، و برای منکران [قرآن و پیامبر] عذابی خوارکننده است (۹۰) چون به آنان گویند: به قرآنی که خداوند [بر پیامبر اسلام] نازل کرده ایمان آورید! می‌گویند: فقط به توراتی که بر خود ما [یهودیان] نازل شده ایمان داریم. و به غیر آن، که کتابی حق و گواهی‌دهنده حقانیت توراتی است که با آن‌ها است کفر می‌ورزند، بگو: اگر شما [از روی حقیقت و راستی] مؤمن [به تورات] بودید پس چرا پیش از این پیامبران خدا را می‌کشتید؟! (۹۱) همانا موسی برای شما معجزات و دلایل روشن آورد، سپس شما بعد از [رفتن] او [به کوه طور] گوساله را معبود خود قرار دادید درحالی‌که ستمکار بودید! (۹۲) و [به یاد آرید] زمانی که از شما [برای پیروی از حق] پیمان گرفتیم و کوه طور را بر فرازتان بالا بردیم [و گفتیم]: آنچه را [از کتاب و نبوت] به شما عطا نمودیم با قدرت فراگیرید و [با گوش‌پذیرش] بشنوید! گفتند: شنیدیم و [اما چون شنیدنشان واقعی نبود عملاً] [اعلام عصیان و نافرمانی کردند، آری] به سبب کفرشان [دوستی] گوساله در [همه زوایای] دلشان پر شد، بگو: اگر شما اهل ایمان هستید [این چه ایمانی است که این‌همه ظلم و فساد ایجاد می‌کند؟! پس بد چیزی است آنچه ایمانتان به آن فرمان می‌دهد! (۹۳)]

بگو: اگر [می‌پندارید که] سرای [پُر نعمتِ] آخرت در پیشگاه خداوند ویژه شماسست نه مردم دیگر، چنانچه در این ادعا راستگوییید آرزوی مرگ کنید! (۹۴) آنان به سبب گناہانی که مرتکب شده‌اند هرگز آرزوی مرگ نمی‌کنند، و خدا به [همهٔ اعمال و حالات] ستمکاران داناست (۹۵) هرآینه آنان را حریص‌ترین مردم، حتی حریص‌تر از مشرکان به زندگی [بسیار طولانی] خواهی یافت، هر یک از آنان آرزومند است که ای‌کاش هزارسال عمرش دهند! ولی عمرِ هزار ساله [به فرضی که به دست آورد] دورکنندهٔ او از عذاب نیست، و خداوند به آنچه انجام می‌دهند داناست (۹۶) [آنان که با جبرئیل به خاطر نزول وحی بر تو دشمنند،] بگو: هرکه دشمن جبرئیل است [دشمن خداست؛ زیرا] او قرآن را به خواست خدا بر قلب تو نازل کرده است درحالی که گواهی‌دهنده حقانیت [کتاب‌های آسمانی] پیش از خود، و هدایتگر و مؤده‌دهنده [به فرجام نیک] برای مؤمنان است (۹۷) هرکس با خداوند و فرشتگان و رسولانش و جبرئیل و میکائیل دشمن باشد [یقیناً کافر است،] و قطعاً خدا دشمن کافران است (۹۸) همانا به‌سوی تو آیاتی روشن نازل کردیم، و به آن آیات جز منحرفان نافرمان، کافر نمی‌شوند (۹۹) آیا چنین نیست که هرگاه [یهودیان] پیمانی [با خدا و پیامبران] بستند گروهی از آنان پیمان را شکستند؟ [آنان نه فقط پیمان‌شکنند،] بلکه بیشترشان ایمان نمی‌آورند (۱۰۰) و هنگامی که پیامبری [چون محمد صلی الله علیه وآله] از سوی خداوند به‌سوی‌شان آمد که تصدیق‌کننده [حقانیت] کتاب آسمانی همراه آنان است، گروهی از عالمان یهود، آیات تورات را [که بیانگر اوصاف پیامبر اسلام بود] ترک کرده، [و به آن چنان بی‌اعتنا شدند] که گویی خبر ندارند [که ویژگی‌های پیامبر در تورات است] (۱۰۱)

و [یهودیان بی تقوا] از علم سحری که شیاطین بر ضد حکومت سلیمان برای مردم می خواندند، [و نیز خود آن حضرت را متهم به ساحری می کردند] پیروی کردند، [سلیمان هرگز سراغ سحر نرفت،] مسلماً سلیمان کافر نشد؛ این شیاطین بودند که به سبب آموزش سحر به مردم کافر شدند. و [نیز یهودیان از] آنچه بر دو فرشته هاروت و ماروت در شهر بابل نازل شد [پیروی کردند،] درحالی که آن دو فرشته به هیچ کس علم سحر نمی آموختند مگر آن که [به او] می گفتند: ما فقط مایه آزمایشیم، [و علم سحر را برای ابطال سحر ساحران به تو تعلیم می دهیم،] پس [با به کارگیری آن در موارد حرام،] کافر مشو! ولی آنان از آن دو فرشته مطالبی [از سحر] می آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی می انداختند، درحالی که آنان به وسیله آن سحر جز به خواست خدا قدرت زیان رساندن به کسی را نداشتند. یهودیان همواره چیزی را می آموختند که به آنان آسیب می زد و سودی نمی بخشید، و یقیناً می دانستند که هرکه خریدار سحر باشد هیچ بهره ای در آخرت ندارد؛ اگر دانا [ی به حقایق] بودند می دانستند بد چیزی است علم سحری که خود را به آن فروختند (۱۰۲) چنانچه یهودیان [از روی راستی و درستی] مؤمن می شدند و [از روی آوردن به سحر و ساحری] اجتناب می کردند مسلماً پاداشی که از سوی خدا مقرر است برای آنان بهتر بود، اگر دانا بودند [قطعاً پاداش الهی را انتخاب می کردند] (۱۰۳) ای اهل ایمان! [به پیامبر] کلمه «راعنا» را [که نزد یهود دشنام است و نزد شما به معنای مهلت دادن است] نگویند! و [به جای آن] بگویند: «أُنظَرنا» [که به همان معنای مهلت دادن است]، و [دستورهای خدا و پیامبرش را به نیت اطاعت کردن] بشنوید! یقیناً برای کافران عذابی دردناک خواهد بود (۱۰۴) نه کافران از اهل کتاب و نه مشرکان دوست ندارند که مطلقاً خیری از سوی پروردگارتان بر شما نازل شود، اما خداوند [بر خلاف خواسته آنان] رحمتش را به هرکه بخواهد اختصاص می دهد، و خدا دارای احسان بزرگی است (۱۰۵)



هر حکمی از احکام را که [بنا بر مصلحتی] از دایره تکلیف و مسئولیت انسان حذف و مُلغی کنیم، یا آن را [به علتی] به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا ماندش را می‌آوریم، آیا ندانسته‌ای که خداوند بر هر کاری تواناست؟ (۱۰۶) آیا ندانسته‌ای که فرمانروایی بر آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره اوست؟ [و به این علت، تغییر و تأخیر احکام در حیطة مصلحت‌خواهی و حکومت او می‌باشد،] و شما را به غیر از خدا [که همه امور به دست اوست] هیچ سرپرست و یاورى نیست (۱۰۷) آیا [با علم به حاکمیت مطلق حق و مصلحت‌خواهی او] می‌خواهید از پیامبرتان [اموری نامعقول] درخواست کنید؛ همان‌گونه که پیش از این از موسی درخواست شد؟ و هرکس کفر را جایگزین ایمان کند قطعاً راه راست را گم کرده است (۱۰۸) بسیاری از اهل کتاب پس از آن که حق برای آنان روشن شد به سبب حسدی که در وجودشان شعله‌ور است دوست دارند شما را پس از ایمانتان به کفر بازگردانند، اکنون [از نزاع و جدال با آنان] گذشت کنید، و [از آنان] روی بگردانید تا خدا فرمانش را [به جنگ یا جزیه] اعلام کند، یقیناً خدا بر هر کاری تواناست (۱۰۹) نماز را [با شرایط ویژه‌اش] برپادارید و زکات بپردازید! و آنچه از کار نیک [چون عبادت و خدمت به خلق] برای خود پیش فرستید آن را نزد خداوند خواهید یافت؛ مسلماً خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست (۱۱۰) و [اهل کتاب] گفتند: هرگز کسی وارد بهشت نمی‌شود مگر آن که یهودی یا نصرانی باشد. این آرزوهای [بی‌پایه و باطل] آنان است، بگو: اگر [در ادعای خود] راستگوئید دلیل خود را بیاورید (۱۱۱) [سخن مستدل و استوار این است؛] آری، کسانی که وجودشان را تسلیم خدا کنند در حالی که نیکوکارند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی [شایسته] است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند (۱۱۲)

یهودیان گفتند: نصرانی‌ها بر آیین درست و استواری نیستند. و نصرانی‌ها گفتند: یهودیان را آیین درست و استواری نیست. در حالی که همه آنان تورات و انجیل را می‌خوانند [و می‌دانند بر اساس آیات آن دو کتاب، اتهامشان بر یکدیگر باطل است]. و نیز کسانی [چون مشرکان] که حقایق را نمی‌شناسند [در باره همه ادیان توحیدی] سخنی مانند یهود و نصاری گفتند، نهایتاً خداوند در قیامت بین آنان درباره آنچه همواره با هم اختلاف داشتند داوری می‌کند (۱۱۳) چه کسانی ستمکارتر از مردمی هستند که با منع ورود مسلمانان به مساجد خدا از برده‌شدن نام خدا [در آن مکان‌های معنوی] جلوگیری کردند، و در ویرانی آن‌ها کوشیدند؟ آنان را شایسته نیست که در آن مساجد جز در حال ترس [از انتقام خدا و خشم و کيفر مؤمنان] درآیند، برای آنان در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ است (۱۱۴) مالکیت شرق و غرب فقط ویژه خداست پس به هر کجا رو کنید آن‌جا به سوی خداست، مسلماً خدا بسیار عطاکننده و داناست (۱۱۵) و [یهود و نصاری] گفتند: خدا فرزندی برای خود انتخاب کرده، در حالی که او از داشتن فرزند منزّه است، بلکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است مخلوق و مملوک اوست، و همه موجودات در برابر او فرمانبردارند (۱۱۶) [بدون سابقه ماده و نقشه و ابزار]، پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است، و زمانی که [به وجود آمدن] چیزی را اراده کند، فقط به آن می‌گوید: باش! پس بی‌درنگ موجود می‌شود (۱۱۷) کسانی که دانای به حقایق نیستند گفتند: چرا خداوند با ما سخن نمی‌گوید یا آیه‌ای برای ما نمی‌آید؟ گذشتگان‌شان نیز مانند سخن اینان را گفتند، دل‌هایشان [در قساوت و لجاجت] شبیه یکدیگر است، به یقین ما [به اندازه لازم و در حد هدایت‌شدن] آیات را برای اهل باور بیان کرده‌ایم (۱۱۸) قطعاً ما تو را بر پایه درستی و راستی بشارت‌دهنده و بیم‌رسان فرستادیم، و تو [پس از ابلاغ پیام خداوند] مسئول [ایمان‌نیاوردن و وضع و حال] دوزخیان نیستی (۱۱۹)

یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی‌شوند مگر آن‌که از آیین آنان پیروی کنی، بگو: یقیناً هدایتِ خدا فقط هدایتِ واقعی است. اگر پس از دانشِ کاملی که [چون قرآن] برایت آمده از خواسته‌های نامشروع آنان پیروی کنی در مقابله با خداوند هیچ یار و یاورى برایت نخواهد بود (۱۲۰) کسانی که کتاب آسمانی عطایشان کرده‌ایم و آن را به‌گونه‌ای که شایسته آن است تلاوت می‌کنند؛ [تلاوتی با تدبّر و برای عمل کردن]، آنان مؤمن [واقعی] به آن هستند، و کسانی که منکر آن می‌شوند، تباه‌کنندگان [همه سرمایه و جودی خویش] اند (۱۲۱) ای بنی اسرائیل! نعمت‌هایم را که به شما عطا کردم به‌خاطر آورده، [قلباً مورد توجه قرار دهید]، و این‌که شما را بر جهانیان [زمان خودتان به سبب معجزات موسی و نزول تورات] برتری دادم [به یاد آرید] (۱۲۲) و خود را از [خطرها و خسارت‌های] روزی حفظ کنید که نه کسی از کسی عذابی را برطرف می‌کند، و نه از کسی برای بخشیده‌شدن گناهانش غرامت و تاوان می‌پذیرند، و نه کسی را شفاعتی سود دهد، و نه [برای نجات از عذاب دوزخ] حمایتشان می‌کنند (۱۲۳) و [به یاد آرید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به تکالیفی بسیار مهم [از انواع اوامر و نواهی و حوادث] آزمایش کرد، پس او همه را به‌طور کامل انجام داد، [پروردگارش به سبب سرافراز بیرون آمدنش از امتحان، به او] فرمود: من تو را برای همه مردم پیشوا قرار دادم. ابراهیم گفت: از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. خداوند فرمود: عهد من [که مقام والای امامت است] به ستمکاران نمی‌رسد (۱۲۴) و [به یاد آرید] زمانی که ما خانه کعبه را برای همه مردم محل دیدار و اجتماع و جایگاه امن قرار دادیم و [گفتیم: از مقام ابراهیم جایگاه نماز انتخاب کنید! و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و معتکفان و اهل رکوع و سجده‌گزاران از هر آلودگی ظاهری و باطنی] پاکیزه بدارید! (۱۲۵) و [به یاد آرید] آن‌گاه که ابراهیم گفت: ای پروردگارم! این [مکان] را شهری امن قرار ده، و از اهل آن کسانی را که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند از هر نوع میوه، نصیبی عطا کن. خداوند فرمود: [دعایت را درباره مؤمنان اجابت کردم]، ولی هر که به کفر گراید بهره اندکی به او می‌دهم، آن‌گاه او را به عذاب آتش می‌کشانم، و آتش عاقبتِ بدی است (۱۲۶)

و [به یاد آرید] هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه کعبه را بالا می‌بردند، [در آن حال به پیشگاه خداوند می‌گفتند: پروردگارا! [این عمل را] از ما بپذیر که تو شنوا [ی دعا] و دانا [ی به حقیقت عمل] هستی. (۱۲۷) پروردگارا! ما را [با همه وجود] تسلیم خود قرار ده، و نیز از دودمان ما امتی که تسلیم تو باشند [پدید آور]، و راه و رسم عبادت‌مان را به ما نشان ده! و توبه ما را بپذیر که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی (۱۲۸) پروردگارا! در بین آنان [که در این منطقه قرار می‌گیرند] پیامبری از خودشان برانگیز که آیات را بر آنان تلاوت کند، و کتاب و معارف استوار و سودمند تعلیمشان دهد، و [از هر نوع آلودگی] پاکشان سازد؛ زیرا تو توانای شکست‌ناپذیر و حکیمی (۱۲۹) از آیین ابراهیم چه کسی روگردان می‌شود جز آن که خود را به ابلهی واداشته؟! به یقین ما ابراهیم را در دنیا به عنوان بنده‌ای خالص انتخاب کردیم، و او مسلماً در آخرت از شایستگان است (۱۳۰) [به یاد آرید] زمانی که پروردگارش به او گفت: تسلیم باش! گفت: تسلیم پروردگار جهانیان شدم (۱۳۱) و ابراهیم و یعقوب پسرانشان را به تسلیم بودن در برابر خداوند سفارش کردند که: ای پسران من! یقیناً خداوند این دین را برای شما برگزیده، پس شما باید جز درحالی که تسلیم او باشید نمیرید (۱۳۲) آیا [شما یهودیان که ادعا می‌کنید یعقوب پسرانش را به آیین یهودیت سفارش کرد] هنگامی که مرگ یعقوب فرارسید کنار او حاضر بودید؟ آن‌گاه که به پسرانش گفت: پس از من چه چیزی را می‌پرستید؟ گفتند: معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که معبود یگانه است می‌پرستیم، و ما تسلیم او هستیم (۱۳۳) آنان گروهی بودند که درگذشتند، آنچه از عمل به دست آوردند و یثمه خود آنان است، و آنچه شما به دست آوردید اختصاص به خودتان دارد، و شما در برابر آنچه آنان انجام می‌دادند مورد بازخواست نخواهید بود (۱۳۴)

و [اهل کتاب به مسلمانان ثابت قدم] گفتند: یهودی یا نصرانی شوید تا هدایت یابید. [ای پیامبر! تو به هر دو طایفه] بگو: بلکه از آیین ابراهیم یکتاپرست که از مشرکان نبود پیروی می‌کنیم (۱۳۵) [شما ای اهل ایمان! با صدای رسا] بگویید: ما به خداوند و آنچه به‌سویمان نازل شده، و به آنچه به سوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [آراسته به مقام نبوت] آنان فرستاده شده، و به آنچه به موسی و عیسی، و آنچه به پیامبران از ناحیه پروردگارشان عطا شده ایمان آوردیم، بین هیچ‌یک از آنان [در این‌که پیامبر خدایند] تفاوتی قائل نیستیم، و ما در برابر خداوند تسلیم هستیم (۱۳۶) پس اگر [اهل کتاب] به مانند آنچه شما ایمان آورده‌اید [چون ایمان به خدا، و پیامبران و قیامت] ایمان بیاورند قطعاً هدایت یافته‌اند، و اگر [از حقایق الهی] روی برتابند جز این نیست که در ستیز و دشمنی [با حق] هستند، پس به‌زودی خداوند تو را از شرّ آنان نجات خواهد داد، و خداوند شنوا [ی دعا] و دانا [ی به همه امور] است (۱۳۷) [به اهل کتاب] بگو: به [رنگ خدا] که همان دین واقعی است پایبند باشید، [و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟ ما فقط پرستش‌کنندگان او هستیم (۱۳۸)] [به اهل کتاب] بگو: آیا با ما درباره خداوند گفت‌وگو [ی نادرست و بی‌دلیل] می‌کنید؟ درحالی‌که او پروردگار ما و شماست، اعمال ما [در پیشگاه او] ویژه ماست، و اعمال شما مخصوص به خود شماست، و ما [در ایمان و عمل] برای او اخلاص می‌ورزیم (۱۳۹) یا می‌گویند: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [آراسته به مقام نبوت] آنان، یهودی یا نصرانی بودند. بگو: آیا شما داناترید یا خداوند؟ و ستمکارتر از کسی که گواهی بر حقیقتی را که از سوی خدا نزد اوست پنهان کند کیست؟ و خداوند از آنچه انجام می‌دهید بی‌خبر نیست (۱۴۰) آنان گروهی بودند که درگذشتند، آنچه [از عمل] به‌دست آوردند ویژه خود آنان است، و آنچه شما به دست آوردید اختصاص به خودتان دارد، و شما در برابر آنچه آنان انجام می‌دادند مورد بازخواست نخواهید بود (۱۴۱)